

استانلی علوی

دبیر گروه پایداری

در تاریخ نگاری علمی، اسناد دارای آتچنان موقعیت و جایگاهی هستند که بدون آنها، تاریخ نگاری با ابهام و تردید جدی مواجه است. اهمیت اسناد در پژوهش های تاریخی تا آن حد است که هیچ ادعایی بدون سند قابل قبول نبوده و نمی توان از آن دفاع کرد. از این رو نسبت اسناد با پژوهش های تاریخی را نسبت روح و بدن دانسته اند که بدون آن تاریخ نگاری جسدی فاقد ارزش واقعی خواهد بود.

بنابراین یک روایت تاریخی وقتی دارای اعتبار است که مستند به سند یا اسناد باشد. همچنین اصالت یک روایت تاریخی بسته به اسنادی است که از پی آن می آید. از ابتدای اختراع خط و ثبت و ضبط حوادث به وسیله نگارش، اسناد از جمله مهم ترین منبع تاریخی محسوب می شوند که مورخان با اسناد به آنها صحت و سقم مطالب خود را به اثبات می رسانند.

تأملی بر ضرورت انتشار کامل اسناد ۸ سال دفاع مقدس

وعده های انتشار اسناد جنگ چه زمانی محقق خواهد شد؟

اسناد بویژه برای پژوهش های تاریخی، همچون مصالحی هستند که مورخ با استفاده از آنها می تواند به بازسازی تاریخ بپردازد و درس آموز باشد و در نتیجه برمناسبات اجتماعی انسان ها تأثیر بگذارد. اسناد با توجه به استفاده ای که در هر زمان از آنها می شود دارای دوازش پژوهشی و حقوقی اند که تا زمانی که از اهمیت و ارزش جاری و روزمره برخوردارند، اهمیت حقوقی داشته وبعد از گذشت زمان واجد ارزش تحقیقی و استنادی می شوند که پژوهش ها و تحلیل های مورخان بدون مراجعه به آنها کامل نخواهد شد.

بی توجهی به حفظ و نگهداری اسناد، موجب از میان رفتن بسیاری از آنها در طول تاریخ شده و دور از دسترس بودن آنها نیز تدوین تاریخ را با مشکل روبه رو کرده است. اسناد به عنوان منبعی مهم، نقد اتفاقات تاریخی را ممکن ساخته و جایگاه نگاه تاریخی را ارتقا می بخشد. جنگ تحمیلی به عنوان مهم ترین حادثه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است که هرگاه با اتکا به منابع و اسناد تاریخی تدوین شود حاوی نکات آموزنده و مؤثر در تصمیم گیری های کلان خواهد بود. اما اسناد مکتوب مقاطع مهم آن هنوز به طور کامل منتشر نشده است. از این رو روایات های تاریخی را با اما وگاری های مواءحه ساخته است. پیرامون برخی از مقاطع جنگ همچون آغاز جنگ، ادامه آن پس از فتح خرمشهر و مقطع پذیرش قطعهنامه پرشش هایی برای نسل جوان وجود دارد که برای قانع کردن آنان نمی توان به تحلیل ها و افتاعات سیاسی بسنده کرد و مستند کردن پاسخ ها به اسناد گویا ضرورتی اجتناب ناپذیر است. لکن با همه اهمیت این گونه اسناد، هنوز سندهای بسیاری که

می توانند به مثابه کلیدی قفل گشا به حل معما کمک کنند در آرشپوها نگهداری می شوند. نخستین بار در سال ۱۳۹۳ سردار مرتضی قربانی مسئول نگهداری بخشی از اسناد جنگ در ستاد کل نیروهای مسلح وعده انتشار این دست از اسناد را داد ، وی در گفت وگویی توضیحی خود با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که تنها برخی از اسناد محرمانه جنگ ایران و عراق بزودی منتشر می شوند و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دستور خارج شدن برخی از اسناد را از طبقه بندی محرمانه صادر کرده است. وی وعده داد این اسناد در سال ۱۳۹۴ به عنوان اسناد عادی منتشر شوند و در اختیار پژوهشگران قرار گیرند. سردار قربانی، رئیس سازمان موزه انقلاب و دفاع مقدس در این گفت وگو اعلام کرد که به دستور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، برخی اسناد جنگ هشت ساله ایران و عراق که تاکنون در شمار اسناد محرمانه بودند، از طبقه بندی محرمانه خارج شده و به عنوان اسناد عادی منتشر خواهند شد ، اما وی در همان گفتگو تأکید کرد بخشی از اسناد «اساسی» جنگ مثل فرامین مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی، دستورات ریاست جمهوری و تصمیمات شورای عالی دفاع، همچنان در طبقه بندی محرمانه باقی خواهند ماند. همچنین یادآور شد که «نیروهای مسلح حق ارائه سند به بیرون از دستگاه را ندارند» حال آنکه منظور از اسناد جنگ آن دسته از اسنادی است که به حل معماهای جنگ کمک خواهد کرد نه اسناد طراحی و نحوه اجرای عملیات ها که شامل مرور زمان شده و اهمیت کلیدی ندارند. اگرچه وی تأکید کرد که: «حتی اسنادی که مربوط به سازمان حفاظت اسنت هم از طبقه بندی محرمانه خارج شده در اختیار

مردم قرار خواهد گرفت»، که اشاره او به سازمان حفاظت اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح بود. علاوه بر این سردار بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار بار دیگر خبرداد «اسناد محرمانه جنگ سال آینده منتشر می شود». این اظهارات در پی مجادله بر سر واقعیت های عملیات کربلای ۴ صورت گرفت که ضمن آن دریک مباحثه تویتری میان محسن رضایی، فرمانده جنگ با جعفر شیرعلی نیا، پژوهشگر، بازار بحث و تحلیل درباره ۸ سال دفاع مقدس داغ شده بود. سردار بهمن کارگر در این مقطع از جایگاه رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در گفت وگویی رسانه ای به ایرنا گفت که اسناد دوران دفاع مقدس قابل انتشار هستند». سردار کارگر با اسلامی ایران ابتدای سال آینده، روی یک سایت یا سامانه منتشر خواهد شد البته ایشان هم با محرمانه باقی ماندن بخشی از اسناد یاد آور شدند که تنها «۹۰ درصد کل اسناد دوران دفاع مقدس قابل انتشار هستند». اگر چه در دهه های قبل اشاره به موضوع روز انتشار اسناد مربوط به عملیات های کربلای ۴ و کربلای ۵و دیگر عملیات ها در دوران دفاع مقدس را در سال بعد وعده داد ولی انتشار ۹۰ درصدی اسناد جنگ، ذهن ها را متوجه آن ۱۰ درصدی کرد که قرار بود همچنان محرمانه باقی بماند. اگر چه در دهه های قبل همین مقدار هم از دسترس پژوهشگر عادی و دانشجویان خارج بود و با دشواری به آنها دست می یافتند، اما با تدبیر «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دوران دفاع مقدس» دسترسی به این اسناد ساده ترشد. سردار کارگر در عین حال، از ۵۶ طرح مطالعاتی و پژوهشی در حوزه دفاع مقدس سخن گفت و آن را به جعبه سیاه جنگ تشبیه کرد

■ دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۲۴۶۷



تدوین

و گفت: «تمام مسائل جنگ در همه ابعاد در این طرح ها آمده و ممکن است این آثار را در قالب ۲۰۰ کتاب منتشر کنیم یا ۵۰ فیلم از روی آنها بسازیم و تا پایان برنامه ششم فرصت انتشار این طرح ها را داریم». این درحالی بود که حتی وعده انتشار اسنادی که پاسخگوی موارد مناقشه برانگیزی همچون موضوع پایان جنگ و پذیرش قطعهنامه هم بود، داده نشد.

اگر چه سردار بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار در همان ایام در گفت وگو با «ایران» مسئولانه انتشار اسناد را مصونیت از تحریف تاریخ جنگ دانسته و از موضعی مثبت بیان داشت که: «این بنیاد مدعی العموم دفاع مقدس است و در برابر تحریف کنندگان دفاع مقدس می ایستد و به این منظور قرارگاه نهضت فرهنگی دفاع مقدس تشکیل شد و ابلاغیه ای به دستگاه های مختلف ارسال کرده ایم که پاسخ به شبهات و ابهامات دفاع مقدس، وظیفه بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس است و هر که دفاع مقدس را تحریف کند، مجرم شناخته می شود و برابر مقررات با متخلف برخورد خواهد شد.» و این خبر را نیز داد که «اسناد محرمانه جنگ از سال آینده در دسترس عموم قرار می گیرد.» که این سخنان واکنش های امیدوارکننده ای را به دنبال داشت. اما در عمل پژوهشگران در انتظار تحقق وعده های داده شده اند تا ابهاماتی که پیرامون مقاطع مهم و حساس جنگ وجود دارد به روشنی وبا اسناد به اسناد معتبر پاسخ گفته شوند. چرا که ۸ سال دفاع مقدس تضمین کننده حیثیت و هویت کشور و پشتوانه امنیت ملی و عزت ملت ایران است. اگر این هشت سال دفاع مقدس با آن خصوصیات در آن مقطع از تاریخ کشورمان به وجود نمی آمد، امروز کشور ما وملت ما، مطمئنا از عزت، امنیت واستقلال برخوردار نبود.



این جایزه در سال ۱۳۹۷ بدون هیچ پشتوانه مشخصی از سوی دوستان پیشنهاد داده شد و در ادامه با همکاری و مساعدت عزیزان دست اندکار با نمره خوب در سال ۱۳۹۸ به نتیجه رسید. قطعا تجربیات برگزاری دوره اول برای هر چه بهتر برگزار شدن دوسالانه دوم، به کارمان می آید و از آن بهره خواهیم برد.

■ **مؤسسان یا پیشنهاد دهندگان اصلی این جایزه چه کسانی بودند؟**

راستی ابتدای امر این پیشنهاد را آقای حسام، بنده و آقا وهب فرزند ارشد آقای همدانی به بعضی از دوستان از جمله رئیس وقت حوزه هنری، جناب آقای مومنی دادیم که ایشان هم از آن استقبال کردند. محل دبیرخانه در خود حوزه هنری و مسئولیت فراخوان آثار و داوری ها به مؤسسه فرهنگی ۲۷ بعثت محول شد. آقای حسام دبیر علمی و آقای زنجانی مسئولیت اجرایی کار را به عهده گرفتند. کارها با مشارکت دوستان به خوبی پیش رفت و در آبان ۱۳۹۸ اختتامیه جایزه در حوزه هنری برگزار شد. البته سازمان های دیگری هم در این کار مدد دادند، مثل: معاونت فرهنگی سپاه، سازمان سپاه محمدرسول الله (ص) تهران بزرگ، سازمان فرهنگی اوج، بنیاد فرهنگی شهید همدانی و...

■ **با توجه به وجهه بین المللی مقاومت و دفاع از حرم (حضور افغان ها، پاکستانی ها، عراقی ها و سایر رزمندگان) در دفاع از حرم، آیا تمهیداتی برای بین المللی شدن این جایزه دیده شده است؟**

موضوع بین المللی شدن این جایزه در همان دوره اول مدنظر بود و مورد توجه هم قرار گرفت. چه این که بعضی از آثار ناشران لبنانی و سوری هم در داوری ها مورد ارزیابی قرار گرفت اما چون اطلاع رسانی کامل انجام نگرفته بود، آثار زیادی واصل نشد.

امیدوارم در این دوره هم با ارسال آثار خوب و همکاری سازمان های مسئول، شاهد اتفاق های خوبی در این عرصه فرهنگی باشیم.

۱۱ | پایداری

یادی از شهید حسین بصیر قائم مقام لشکر ۲۵ کربلا

هفت سال مجاهدت تا شهادت

مرجان فتدی

خبرنگار

نادمان

مثل همیشه قبل از عملیات موهای سر و محاسن صورتش را اصلاح کرد اما این بار خوابش را تعریف نکرد و فقط نوحه خواند. برادرش هادی از او پرسید: «چی شد این بار خوابت را تعریف نکردی؟» گفت: این بار هیچ خوابی ندیده ام، این نشانه است، نشانه اینکه این بار می خواهم خودم بروم کنار امام حسین (ع). اسمش حسین بود، حسین بصیر.

متولد سال ۱۳۲۲ فریدونکنار بود. از کلاس ششم ابتدایی مدرسه را رها کرده و رفته بود بابلسر آهنگری می کرد. اول شهریور ۱۳۴۱ برای انجام خدمت وظیفه به تهران آمد. خرداد ۱۳۴۲ وقتی نهضت امام شروع شد او هنوز سرباز بود. کمی که گذشت به پادگان منظر به قم تبعیدش کردند، ظاهرا حرف سیاسی زده بود. هرچه بود شهریور ۱۳۴۳ دوسال سربازی اش را تمام کرد و به شهرش برگشت. دو سه سال بعد همان جا ازدواج کرد. روزهای انقلاب سرنوشت اش با سرنوشت همه مبارزان یکی بود. یا داشت علیه رژیم تبلیغات می کرد یا تظاهرات را می انداخت یا به خاطر فعالیت هایش در زندان بود. این سرنوشت مشترک همه مبارزان بود.

بالاخره انقلاب شد و آرامش هم سر ی به خانه حسین زد. اما طولی نکشید که جنگ تحمیلی شروع شد. از کسی مثل حسین نمی شد توقع داشت در خانه بنشیند پس به جبهه رفت. تا شهریور ۱۳۶۲ جز مرخصی های کوتاه مدت یکسره جبهه بود. آنجا به خاطر تجربه اش جانشین فرمانده یکی از گردان های لشکر ۲۵ کربلا بود. بیست و هشتم شهریور ۶۲ بالاخره رسما عضو سپاه شد و فرماندهی گردان یارسلو الله را به عهده گرفت. کمی بعد که عملیات والفجر ۴ شروع شد او هم جانشین تیپ یکم لشکر شد. بعد از عملیات والفجر ۴ در والفجر ۶ هم شرکت کرد که ترکش خورد و مجروح شد. سال ۱۳۶۳ به حج رفت و شد حاج حسین بصیر. بعد از عملیات بدر در زمستان ۶۳ حاج حسین در عملیات های زنجیره ای قدس در سال ۱۳۶۴ شرکت کرد



و با هدایت نیروهایش توانست پاسگاه های بلالیه و ابویلله عراق را بگیرد. بعد از عملیات قدس گردان یارسلو الله به عنوان گردان نمونه، مأمور شد در لشکر ۷۷ خراسان ادغام شود. مأموریتشان که تمام شد زمستان بود و برای عملیات والفجر ۸ آماده شدند. نیروهای گردان برای آموزش غواصی و کسب اطلاعات لازم برای انجام عملیات والفجر ۸ به بهمینشیر منتقل شدند. همین موقع بود که حکم فرماندهی یکی از تیپ های عملیاتی لشکر ویژه ۲۵ کربلا هم برایش آمد. حدود ۷۵ روز جنگ تمام عیار در منطقه فاوشکل گرفته بود اما در نهایت عملیات با موفقیت انجام شد و شهر فاو عراق به تصرف درآمد. اما حاج حسین که به خاطر اصابت ترکش به قفسه سینه و بازویش مجروح شده بود کمی استراحت کرد و دوباره در فروردین سال ۶۵ به فاو برگشت. همان وقت ها بود که عراق به تلافی فاو به مهران حمله کرد و شهر مهران را گرفت. صدام گفته بود: «مهران گروگان فاو است.» اما رزمنده های رزور را به دل صدام گذاشتند و با انجام عملیات کربلای یک مهران هم آزاد شد. تا این که روزهای سخت زمستان ۶۵ از راه رسید. حاج حسین و گردانش جزو نیروهای شرکت کننده در عملیات کربلای ۴ بودند اما عملیات که لورفت بلافاصله خودشان را برای شرکت در عملیات بعدی، عملیات کربلای ۵ که در شلمجه انجام می شد، آماده کردند. در همین عملیات بود که مرتضی جباری داماد حاجی فرمانده گردان عاشورا در شلمجه به شهادت رسید.

نوزدهم فروردین ۱۳۶۶ مسئولیت حاج حسین بازهم بیشتر شد. حالا او قائم مقام فرمانده لشکر ۲۵ کربلا بود. مسئولیتی که با آن در عملیات کربلای ۸ شرکت کرد. در عملیات دوهرمزم دیگر او محمد حسن قاسمی طوسی و حمید رضا نوذخت هم شهید شدند. حالا دیگر واقعا تنها شده بود. شامگاه یکی از روزهای اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ همزمان با شب عملیات کربلای ۱۰ حاج حسین با چندتایی از رزمندگان در سنگری بالای ارتفاعات ماووت عراق نشسته بود. شیشه عطرش را از جیبش درآورد و بر سر صورت تک تک افرادش عطر زد و گفت: «اگر به فیض شهادت نائل شدید، من را فراوش کنید. من از شما التماس دعا دارم». بعد دستی به محاسن اش کشید و گفت: «دیگر پیر شده ام، خسته ام، نیاز به استراحت دراز مدت دارم.» هادی برادرش که کنار دستش بود، گفت: «ان شاء الله بعد از عملیات می روید شمال و استراحت می کنید.» هنوز منظور او را نفهمیده بود، تنها وقتی گلوله خمپاره روی سقف سنگر حاجی فرود آمد هادی منظورش را فهمید. آن وقت هم که دبیرکبری فهمیدی خداحافظ خیلی دیر شده بود. بعد از هفت سال حضور مداوم حاج حسین بصیر در جبهه و عهده دار بودن مسئولیت های چون فرماندهی محور جبهه ذوالفقاری آبادان تا جبهه ماهشهر، فرماندهی گردان «یارسلو (ص)» در عملیات طریق القدس، فرماندهی تیپ یکم لشکر ۲۵ کربلا و قائم مقامی لشکر ۲۵ کربلا و حضور در عملیات هانی چون فتح بستان، رمضان، محرم، خبیر، بدر، والفجرهای ۴، ۷، ۸، و کربلایها ۱، ۲، ۳، ۵، ۸ و وقت اش شده بود که استراحت کند.

هادی بصیر ۲۰ سالگی از برادرش حاج حسین کوچک تر است، او درباره برادرش گفته است: «حاج حسین برای ما پدری کرده بود، بسیار با هم صمیمی بودیم و دوست. رابطه اش با ما بیشتر رابطه پدر و فرزند بود. هر جا مجلس قرآن و احکام برگزار می شد، حاج حسین آنجا بود، خودش هم نوجوانان را جمع می کرد و به آنها قرآن آموزش می داد. تکیه راه می انداخت و به عزاداری اهل بیت (ع) می پرداخت. وقتی ضرورت جبهه و عملیات اقتضا می کرد، آن را با هیچ چیز عوض نمی کرد، نه وقتی فرزند دوشم به دنیا آمده حتی در زمان مراسم ازدواج دختر او را که به بود. وقتی که مرتضی جباری، برادر حاجی، فرمانده گردان عاشورا در شلمچه در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید، حاجی در مراسم بزرگداشت سومین روز شهادت دامادش در مجلس عزای او حاضر شد و در سخنان کوتاهی اعلام کرد: «خدا را شاهد می گیرم که به خاطر شرکت در این مجلس عزای برای اینکه در مراسم بزرگداشت دامادم شرکت کنم جبهه را ترک نکرده ام، بلکه به امر فرمانده لشکر دم در اینجا حضور یافتم تا شما مردم شهیدپرو و دوستان مرتضی و جوانان غیور این سامان را به سوی جبهه حماسه و شرف فراخوانم.» این سخنان باعث شد تا جمع کثیری از بسیجیان فریدونکنار به سوی جبهه اعزام شوند.»

هادی همچنین خاطره ای از آرزوی شهادت برادرش گفته است: «یک روز حاج بصیر از مادرمان خواست تا به ایشان اجازه بدهد تا بر سجاده اش دو رکعت نماز حاجت بخواند و سپس از نماز خواندن به دعایش آمین بگوید. مادر هم قبول کرد و به داعی حاج حسین آمین گفت. بعد از مادر سؤال کرد آیا می دانی دعایی که کردم چه بود؟ مادر گفت: «حتما پیروزی رزمندگان» جواب داد: «بله» از بجای خودش ولی من از خدا طلب شهادت کردم و چون می داتم دعایت مانعی برای شهادتم می شود امروز خواستم آمین تو را بر دعای شهادت بشنوم.» مادرم گفت: «پسر من به خدا از شهادت تو باک ندارم همچنان که برادرت اصغر شهید شد و هادی در جبهه است. دوست دارم شما زنده بمانید و از امام و انقلاب دفاع کنید.» مادرم و حاج حسین بسیار به هم وابسته بودند. آنقدر به هم علاقه داشتند که حاج حسین از خانه خودشان خانه مادر در ی ر باز کرده بود، تا مادرم راحت تر بیاید و او هم هر زمان خواست به دیدار مادر برود. بعد از شهادت حاج حسین مادر روبه پیکر حسین می گفت: «تو مارا فریب دادی من آمین گفتم اما نمی دانستم که تو چه از خدا خواستی.»